

بررسی روایت بلاذری و تهدید عمر به آتش زدن خانه فاطمه (س)

طرح شبیهه :

عبد الرحمن دمشقیه، نویسنده معاصر وهابی، در مقاله اش با عنوان «*قصه حرق عمر رضي الله عنه لبيت فاطمة رضي الله عنها*» که در سایت «*فیصل نور*» آمده، در باره روایت احمد بن یحیی بلاذری می نویسد:

۳. أحمد بن یحیی البغدادي، المعروف بالبلاذري، وهو من كبار محدثيكم، المتوفي سنة ۲۷۹، روي في كتابه أنساب الأشراف ۵۸۶/۱، عن سليمان التيمي، وعن ابن عون: أن أبا بكر أرسل إلي علي عليه السلام، يريد البيعة، فلم يبايع. فجاء عمر ومعه فتيلة أي شعلة نار فتلقته فاطمة علي الباب، فقالت فاطمة: يا بن الخطاب! أترأى محرقا علي بابي؟ قال: نعم، وذلك أقوي فيما جاء به أبوك! هذا إسناد منقطع من طرفه الأول ومن طرفه الآخر. فإن سليمان التيمي تابعي والبلاذري متأخر عنه فكيف يروي عنه مباشرة بدون راو وسيط؟ وأما ابن عون فهو تابعي متأخر وبينه وبين أبي بكر انقطاع.

فيه علتان:

أولا: جهالة مسلمة بن محارب. ذكره ابن أبي حاتم في (الجرح والتعديل ۲۶۶/۸) ولم يذكر فيه جرحا ولا تعديلا ولم أجد من وثقه أو ذمه. ثانيا: الانقطاع الكبير من بن عون وهو عبد الله بن عون توفي سنة ۱۵۲ هجرية. ولم يسمع حتي من أنس والصدیق من باب اولي الحادثة مع التذكير بأن الحادثة وقعت في السنة الحادية عشر من الهجرة. وكذلك سليمان التيمي لم يدرك الصدیق توفي سنة ۱۴۳ هجرية.

احمد بن یحیی بغدادی مشهور به بلاذری از بزرگان محدث شما، در کتاب انساب الأشراف نقل کرده است: ابن عون می گوید: ابوبکر کسی را نزد علی فرستاد تا بیاید و بیعت کند؛ ولی علی نپذیرفت، عمر با شعله ای از آتش به طرف خانه آن حضرت آمد، فاطمه، عمر را دید و فرمود: ای پسر خطاب! آیا می خواهی خانه مرا به آتش بکشی؟ گفت: آری.

سند این حدیث از یک طرف منقطع است و از طرف دیگر سلیمان تیمی تابعی است و بلاذری با وی فاصله زیادی دارد، چگونه بدون واسطه از وی نقل می کند؟

و اما ابن عون از آخر افراد تابعی است و بین او و ابوبکر فاصله است.

دو نقض اساسی در این روایت دیده می شود:

۱. مسلمة بن محارب ناشناخته است؛ زیرا ابن أبي حاتم در کتاب جرح و تعديل نه او را از مذمومین آورده و نه در بخش ممدوحین، و من ندیده ام که کسی او را مورد اعتماد بداند و یا تضعیف کرده باشد؛

۲. بین عبد الله بن عون (متوفای ۱۵۲هـ) که از آنس حدیث نشنیده است؛ تا چه رسد به ابوبکر، واسطه های زیادی باید باشد؛ چون این حادثه در سال یازدهم از هجرت اتفاق افتاده است. همچنین سلیمان تیمی نیز ابوبکر را درک نکرده است؛ چون او در سال ۱۴۳هـ از دنیا رفته است.

چکیده شبیهه :

اولاً: مسلمة بن محارب مجهول است.

ثانياً: ابن عون و سليمان تيمي تابعي هستند و خودشان شاهد ماجرا نبوده اند.

نقد و بررسی :

اصل روایت :

المدائني، عن مسلمة بن محارب، عن سليمان التيمي وعن ابن عون إن أبا بكر أرسل إلي علي يريد البيعة، فلم يبايع، فجاء عمر و معه قيس. فتلقتهم فاطمة علي الباب فقالت فاطمة: يا بن الخطاب! أترك محرقة علي بابي؟! قال: نعم، و ذلك أقوي فيما جاء به أبو بكر.

ابو بكر کسی را دنبال علی فرستاد تا بیعت کند؛ اما علی (علیه السلام) از بیعت با ابوبکر سرپیچی کرد، ابوبکر به عمر دستور داد که برود و او را بیاورد، عمر با شعله آتش به طرف خانه فاطمه (علیها السلام) رفت. فاطمه (علیها السلام) پشت در خانه آمد و گفت: ای پسر خطاب! آیا تویی که می خواهی در خانه را آتش بزنی؟ عمر پاسخ داد: آری! این کار آنچه را که پدرت آورده محکم تر می سازد.

البلاذري، أحمد بن يحيى بن جابر (متوفاي 279هـ)، أنساب الأشراف، ج ١، ص ٢٥٢.

بررسی سند روایت :

المدائني :

ذهبی در باره وی می نویسد :

المدائني * العلامة الحافظ الصادق أبو الحسن علي بن محمد بن عبد الله بن أبي سيف المدائني الاخباري. نزل بغداد، و صنف التصانيف، وكان عجباً في معرفة السير والمغازي والأنساب وأيام العرب، مصدقاً فيما ينقله، عالي الإسناد.

مدائني در بغداد ساکن شد و کتاب هایی نوشت، او در سیره شناسی و تاریخ جنگ ها و حوادثی که بر اعراب گذشته بود و همچنین در آشنایی با قبایل بسیار توانا و شگفت آور بود و آنچه نقل می کرد و می شنوید با سند عالی و خوب می نوشت و مورد قبول بود.

در ادامه از قول يحيى بن معين می نویسد :

قال يحيى: ثقة ثقة ثقة. (قال احمد بن أبي خثيمة) سألت أبي: من هذا؟ قال: هذا المدائني.

يحيى بن معين در باره او سه بار گفت: او مورد اعتماد است، او مورد اعتماد است، او مورد اعتماد است. احمد بن ابو خثيمة می گوید: از پدرم پرسیدم نام این شخصی که يحيى بن معين در باره او این مطلب را گفت، چیست: پدرم گفت: نام او مدائني است.

الذهبي، شمس الدين محمد بن أحمد بن عثمان، (متوفاي 748هـ)، سير أعلام النبلاء، ج ١٠، ص ٤٠٠، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، محمد نعيم العرقسوسي، ناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت، الطبعة: التاسعة، 1413هـ.

و این حجر می نویسد :

قال أبو قلابة: حدثت أبا عاصم النبيل بحديث فقال عن هذا قلت: ليس له إسناد ولكن حدثني أبو الحسن المدائني قال لي سبحانه الله أبو الحسن أستاذ. (إسناد)

أبو قلابة می گوید: حدیث را برای ابا عاصم النبیل خواندم، ابا عاصم گفت: این حدیث را از چه کسی شنیده ای؟ گفتم سندش نزد من

نیست و لکن این حدیث را ابوالحسن مدائنی برایم نقل نموده است و از او شنیده ام، ابا عاصم گفت: پاك و منزه است خدا، ابوالحسن مدائنی استاد در علم حدیث است.

العسقلانی الشافعی، أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل (متوفای 852 هـ)، لسان المیزان، ج 4، ص 253، تحقیق: دائرة المعارف النظامية - الهند، ناشر: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات - بیروت، الطبعة: الثالثة، 1406 - 1986.

در بعضی نسخه ها به جای کلمه استاد، إسناد آمده است در این صورت معنای عبارت اینگونه می شود: ابوالحسن مدائنی خودش سند است و همین که او این روایت را نقل نموده کافی است.

مَسْلَمَةُ بن محارب:

ابن حبان او را در کتاب الثقات توثیق نموده است: از این رو، اشکال مجهول بودن این شخص، مردود است.

مَسْلَمَةُ بن محارب الزیادی یروی عن أبيه عن معاوية روي عنه إسماعيل بن عليّة.

التیمی البستی، محمد بن حبان بن أحمد أبو حاتم (متوفای 354 هـ)، الثقات، ج 7، ص 490، رقم: 11108، تحقیق السید شرف الدین أحمد، ناشر: دار الفكر، الطبعة: الأولى، 1395 هـ - 1975 م.

سليمان التيمي:

مزی در تهذیب الکمال می نویسد:

قال الربيع بن يحيي عن شعبة ما رأيت أحدا أصدق من سليمان التيمي كان إذا حدث عن النبي صلي الله عليه وسلم تغير لونه.

ربيع بن يحيي از شعبة بن حجاج نقل می کند که گفت: احدي را راستگوتر از سليمان تيمي ندیدم، هر زمان که حدیثی از پیامبر اکرم نقل می نمود رنگش (صورتش) تغییر می کرد.

قال أبو بحر البکراوي عن شعبة شك ابن عون وسليمان التيمي يقين.

أبو بحر بکراوي از شعبة بن حجاج نقل می کند که گفت: شك سليمان تيمي و ابن عون با يقين برابري می کند.

وقال عبدالله بن احمد عن أبيه ثقة.

عبدالله بن احمد بن حنبل از پدرش نقل می کند که گفت: سليمان تيمي فردي مورد وثوق و اعتماد است.

قال ابن معين والنسائي ثقة.

يحيي بن معين و نسائي نیز او را ثقة و مورد اطمینان می دانند.

قال العجلي تابعي ثقة فكان من خيار أهل البصرة.

عجلي (از عالمان رجالی اهل سنت) درباره او می گوید: او از تابعین و فردي مورد وثوق و از بهترین افراد (و علمای) اهل بصره است.

المزی، يوسف بن الزكي عبدالرحمن أبو الحجاج (متوفای 742 هـ)، تهذیب الکمال، ج ۱۲، ص ۸، تحقیق د. بشار عواد معروف، ناشر: مؤسسة الرسالة - بیروت، الطبعة: الأولى، 1400 هـ - 1980 م.

محمد بن سعد صاحب کتاب الطبقات الکبری در باره سليمان التيمي می گوید:

كان ثقة كثير الحديث وكان من العباد المجتهدين وكان يصلي الليل كله يصلي الغداة بوضوء عشاء الآخرة.

سليمان تيمي احاديث فراواني نقل کرده و ثقه است. در عبادت پرتلاش بود. تمام شب را به نماز خواندن مي گذراند و نماز صبحش را با وضوي نماز عشاء شب پيشينش مي خواند.

الزهري، محمد بن سعد بن منيع أبو عبدالله البصري (متوفاي 230هـ)، الطبقات الكبرى، ج 7، ص 252، ناشر: دار صادر - بيروت.

انقطاع در سند :

دمشقيه مي گوید:

هذا إسناد منقطع من طرفه الأول ومن طرفه الآخر. فإن سليمان التيمي تابعي والبلاذري متأخر عنه فكيف يروي عنه مباشرة بدون راو وسيط؟ وأما ابن عون فهو تابعي متأخر وبينه وبين أبي بكر انقطاع.

پاسخ :

این که دمشقيه مي گوید: «سليمان تيمي تابعي است و بلاذري نمي تواند از او روايت نقل کند» سخني است که به مزاح بيشتتر شباهت دارد تا به اشکال؛ چرا که بلاذري بدون واسطه روايت از سليمان تيمي نقل نمي کند؛ بلکه با دو واسطه از تيمي نقل مي کند. گویا جناب عبد الرحمن دمشقيه اصل کتاب را ملاحظه نکرده باشد و گر نه چنين اشکالي از يك عالم بعيد است.

اما اشکال دوم که ابن عون و تيمي شاهد ما جرا نبوده اند و حتي از صحابه نمي توانند روايتي نقل کنند:

اولاً: این که وي نمي توانسته از هيچ يك از صحابه روايت نقل کند، سخني است بي اساس؛ چرا که صفدي، از عالمان بزرگ اهل سنت در باره ابن عون مي گوید:

الحافظ المزني عبد الله بن عون أرطبان أبو عون المزني مولا هم البصري الحافظ أحد الأئمة الأعلام... وكان يمكنه السماع من طائفة من الصحابة وكان ثقة كثير الحديث عثمانيا

... براي وي امکان داشت که از برخي صحابه حديث بشنود و نقل نمايد.

الصفدي، صلاح الدين خليل بن أيبك (متوفاي 764هـ)، الوافي بالوفيات، ج 17، ص 211، تحقيق أحمد الأرناؤوط وتركي مصطفى، ناشر: دار إحياء التراث - بيروت - 1420هـ - 2000م.

مرسل تابعی نزد جمهور علمای اهل سنت ، حجت است :

ثانياً: طبق گفته صفدي او تابعي است. از طرف ديگر بسياري از عالمان اهل سنت اعتقاد دارند که مرسل تابعي حجت است و حتي مراسلات آن ها از مسندانشان قوي تر است؛ به ويژه اگر آن شخص از كساني همچون ابن عون باشد که شك وي در نزد اهل سنت از يقين ديگران بالاتر و با ارزش تر است.

ابن حجر عسقلاني در باره تابعي (افرادي که پيامبر را ملاقات نکرده و آنچه نقل مي کنند از اصحاب آن حضرت شنیده اند) که شنیده هابي را بدون نسبت دادن به افراد مشخص نقل مي کند، مي گوید:

وأما الأمور التي يدرکها (اي التابعي) فيحمل علي أنه سمعها أو حضرها لكن بشرط أن يكون سالما من التدليس والله أعلم.

آنچه تابعي به صورت مرسل نقل مي کند، بايد بگوئيم: به منزله اين است که يا شنیده است و يا خودش حضور داشته است؛ ولي با اين

شرط که آن فرد از دست بردن و کم و زیاد کردن در آن سالم باشد.

العسقلاني الشافعي، أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل (متوفاي 852هـ)، فتح الباري شرح صحيح البخاري، ج 8، ص 716، تحقيق: محب الدين الخطيب، ناشر: دار المعرفة - بيروت.

اتفاقاً در میان تمام راویان تاریخ اهل سنت فقط دو نفر هستند که دست به عمل تدلیس نزده اند، یکی از آن ها ابن عون است. ابن الجعد در مسندش، نسائی در ذکر اسماء المدلسین، مزی در تهذیب الکیمال، ذهبی در سیر اعلام النبلاء، ابن حجر عسقلانی در تهذیب التهذیب و بدر الدین عینی در مغانی الأخیار می نویسند:

عن شعبة قال: ما رأيت أحدا من أصحاب الحديث إلا يدلس إلا عمرو بن مرة، وابن عون.

از راویان حدیث کسی را ندیدم که در نقل روایات تدلیس (مخفی نمودن عیب در سند) نکرده باشد مگر عروه بن مره و ابن عون.

الجوهري البغدادي، علي بن الجعد بن عبيد أبو الحسن (متوفاي 230هـ)، مسند ابن الجعد، ج 1، ص 24، تحقيق: عامر أحمد حيدر، ناشر: مؤسسة نادر - بيروت، الطبعة: الأولى، 1410هـ - 1990م؛

النسائي، أبو عبد الرحمن أحمد بن شعيب بن علي الخراساني، (متوفاي 303هـ) ذكر المدلسين، ج 1، ص 59؛

المزي، يوسف بن الزكي عبدالرحمن أبو الحجاج (متوفاي 742هـ)، تهذیب الکیمال، ج 22، ص 235، تحقيق د. بشار عواد معروف، ناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت، الطبعة: الأولى، 1400هـ - 1980م؛

الذهبي، شمس الدين محمد بن أحمد بن عثمان، (متوفاي 748هـ)، سیر اعلام النبلاء، ج 5، ص 197، تحقيق: شعيب الأرناؤوط، محمد نعيم العرقسوسي، ناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت، الطبعة: التاسعة، 1413هـ؛

العسقلاني الشافعي، أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل (متوفاي 852هـ) طبقات المدلسين، ج 1، ص 58، تحقيق: د. عاصم بن عبدالله القريوتي، ناشر: مكتبة المنار - عمان، الطبعة: الأولى، 1403هـ - 1983م و تهذیب التهذیب، ج 8، ص 89، ناشر: دار الفكر - بيروت، الطبعة: الأولى، 1404هـ - 1984م؛

العيني، بدر الدين محمود بن أحمد (متوفاي 855هـ)، مغانی الأخیار، ج 3، ص 468.

ملا علي قاري در رد این سخن که مرسل صحابي مورد قبول نیست می نویسد:

قلت: مرسل التابعي حجة عند الجمهور، فكيف مرسل من اختلف في صحة صحبته.

مرسل تابعي، نزد تمام دانشمندان حجت است؛ چه رسد به مرسل کسی که در صحت صحابي بودن او اختلاف است.

القاري، علي بن سلطان محمد (متوفاي 1014هـ)، مرقاة المفاتيح شرح مشكاة المصابيح، ج 9، ص 434، تحقيق: جمال عيتاني، ناشر: دار الكتب العلمية - لبنان / بيروت، الطبعة: الأولى، 1422هـ - 2001م.

شمس الدين سخاوي در فتح المغيب می نویسد:

صرح الحاكم في علومه بأن مشايخ الحديث لم يختلفوا أنه هو الذي يرويه المحدث بأسانيد متصله إلي التابعي ثم يقول التابعي قال رسول

الله ووافقه غيره علي حكاية الاتفاق (واحتج) الإمام مالك هو ابن أنس في المشهور عنه (وكذا) الإمام أبو حنيفة (النعمان) بن ثابت

وتابعوهما المقلدون لهما والمراد الجمهور من الطائفتين بل وجماعة من المحدثين والإمام أحمد في رواية حكاها النووي وابن القيم وابن

كثير وغيرهم به أي بالمرسل ودانوا بمضمونه أي جعل كل واحد منهم ما هو عنده مرسل دينا يدين به في الأحكام وغيرها وحكاها النووي في

شرح المهذب عن كثيرين من الفقهاء أو أكثرهم قال ونقله الغزالي عن الجماهير

وقال أبو داود في رسالته وأما المراسيل فقد كان أكثر العلماء يحتجون بها فيما مضي مثل سفیان الثوري ومالك والأوزاعي حتي جاء الشافعي رحمه الله فتكلم في ذلك وتابعه عليه أحمد وغيره انتهى .

حاکم در علومش تصریح می کند که مشایخ و بزرگان حدیث اختلافی در اعتبار روایاتی که محدث با سند متصل تا تابعی نقل می کند سپس تابعی می گوید رسول خدا فرمود ندارند .

در این عدم اختلاف دیگران نیز او را همراهی کرده اند .

امام مالک بر اساس نقل مشهور از وی و همچنین ابوحنیفه و پیروان و مقلدان این دو و گروهی از محدثان و امام احمد حنبل بنا بر نقلی که نووی و ابن قیم و ابن کثیر و دیگران دارند، به خبر مرسل تابعی اعتقاد داشته و در باب احکام و غیر آن به آن استناد جسته اند .

أبو داود در رساله اش گفته است: اکثر علما؛ همچون سفیان ثوري، امام مالك و اوزاعي به روایات مرسل احتجاج می کنند تا زمان شافعی که او این مطلب را رد کرد و احمد بن حنبل و دیگران نیز از شافعی پیروی کردند .

السخاوي، شمس الدين محمد بن عبد الرحمن (متوفاي 902هـ)، فتح المغيث شرح ألفية الحديث، ج 1، ص 139، ناشر: دار الكتب العلمية - لبنان، الطبعة: الأولى، 1403هـ.

سراج الدين انصاري می نویسد:

ونقل الأمدی قبوله (مرسل التابعی) عن أحمد أيضا واختاره. وبالغ بعضهم فجعله أقوى من المسند لأنه إذا أسنده فقد وكل أمره إلي الناظر ولم يلتزم صحته .

وذهب ابن الحاجب إلي قبوله من أئمة النقل دون غيرهم وذهب عيسى بن أبان إلي قبول مراسيلهم ومراسيل تابعي التابعين وأئمة النقل مطلقا .

أمدی پذیرفته شدن اخبار مرسل تابعی را از طرف احمد حنبل نقل کرده و می نویسد: بعضی مبالغه نموده و حتی آن را از مسند قویتر دانسته اند؛ زیرا هنگامی که خبر با سند نقل شد صحت و سقم آن به خواننده واگذار می شود و ناقل به صحت آن کاری ندارد؛ ولی ابن حاجب پذیرش مراسلات تابعی را به دانشمندان حدیث محدود می کند، و عیسی بن ابان فراتر از او و دیگران سخن گفته و معتقد است که اخبار مرسل تابعی و کسی که از تابعی نقل می کند (اتباع التابعین) و تمام پیشوایان و بزرگان ناقل حدیث، پذیرفته و مورد قبول است .

الأنصاري، سراج الدين عمر بن علي بن أحمد (متوفاي 804هـ)، المقنع في علوم الحديث، ج 1، ص 139 - 140، تحقيق: عبد الله بن يوسف الجديع، ناشر: دار فواز للنشر - السعودية، الطبعة: الأولى، 1413هـ .

جمال الدين قاسمي به نقل از قرافی می نویسد:

قال القرافي في شرح التنقيح: «حجة الجواز أن سكوته عنه مع عدالة الساكت، وعلمه أن روايته يترتب عليها شرع عام، فيقتضي ذلك أنه ما سكت عنه إلا وقد جزم بعدالته؛ فسكوته كإخباره بعدالته، وهو لو زكاه عندنا، قبلنا تزكيته، وقبلنا روايته؛ فكذلك سكوته عنه، حتي قال بعضهم: إن المرسل أقوى من المسند بهذا الطريق، لأن المرسل قد تدمم الراوي وأخذه في ذمته عند الله تعالي وذلك يقتضي وثوقه بعدالته؛ وأما إذا أسند فقد فوض أخره للسامع، ينظر فيه، ولم يتدممه؛ فهذه الحالة أضعف من الإرسال» انتهى .

دلیل حجیت خبر مرسل سکوت راویان و ناقلان در باره راوی خبر مرسل است، که این سکوت با توجه به عدالت شخص ساکت نشانه عدالت راوی و مقبول بودن اخبار اوست .

و چون شخص ساکت می داند که رواج چنین خبری مبنای احکام شرعی خواهد شد، بنابراین سکوت او باید بر اساس جزم و قطع به عدالت شخص راوی خبر مرسل باشد. اگر این شخص راوی را توثیق می کرد، توثیق او در نزد ما حجت بود و روایتش را قبول می کردیم، سکوت او نیز چنین حالتی را دارد. حتی برخی گفته اند که مرسل از مسند قوی تر است؛ زیرا کسی که روایت را مرسل نقل می کند، راوی را ضمانت کرده و وثاقت او را در نزد خدا به گردن گرفته است و این اقتضا می کند که راوی موثق باشد، بر خلاف زمانی که نام راوی را نقل می کند که در این صورت وثاقت راوی را به عهده شنونده گذاشته است تا در باره او تحقیق کند و ضمانت او را نکرده است؛ پس این حالت (اسناد) از ارسال ضعیف تر است.

القاسمی، محمد جمال الدین (متوفای 1332 هـ)، قواعد التحذیر من فنون مصطلح الحدیث، ج 1، ص 134، ناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، الطبعة: الأولى، 1399 هـ - 1979 م.

اعتراف ابن عون و سلیمان تیمی برای اثبات مطلب کفایت می کند :

ثانیاً: حتی اگر فرض کنیم که سند در این جا مقطوع باشد، بازهم ضروری به صحت استدلال به این روایت نمی زند؛ زیرا همین اندازه که شخصی از بزرگان اهل تسنن در قرن اول هجری؛ آن هم شخصی همانند ابن عون و سلیمان تیمی به چنین مطلبی اعتراف کرده باشند، برای اثبات مطلب کفایت می کند؛ حتی اگر خودشان شاهد ماجرا نیز نبوده باشند؛ چون امکان ندارد که چنین اشخاصی به دروغ بگویند و یا از افراد دروغگو روایت نقل کرده باشند؛ زیرا طبق اعتقاد بزرگان اهل سنت، شك ابن عون از یقین دیگران برتر است:

وقال ابن المبارك ما رأيت أحداً أفضل من ابن عون وقال شعبة شك ابن عون أحب إلي من يقين غيره

ابن مبارك گفته: شخصی برتر از ابن عون ندیدم، و شعبه گفته: شك ابن عون برای من از یقین دیگران بهتر و قابل قبول تر است.

الذهبي، شمس الدین محمد بن أحمد بن عثمان، (متوفای 748 هـ)، سیر أعلام النبلاء، ج 6، ص 365، تحقیق: شعيب الأرنؤوط، محمد نعیم العرقسوسی، ناشر: مؤسسة الرسالة - بیروت، الطبعة: التاسعة، 1413 هـ.

مزی نیز در تهذیب الکمال می نویسد:

سمعت عمر بن حبيب يقول: سمعت عثمان البتي يقول: ما رأيت عينا ي مثل ابن عون.

عمر بن حبيب می گوید: از عثمان بتي شنیدم که گفت: چشمانم (در فضیلت و برتری) فردی مثل ابن عون ندیده است.

المزي، يوسف بن الزكي عبدالرحمن أبو الحجاج (متوفای 742 هـ)، تهذیب الکمال، ج 15، ص 399، تحقیق د. بشار عواد معروف، ناشر: مؤسسة الرسالة - بیروت، الطبعة: الأولى، 1400 هـ - 1980 م.

بخاری در تاریخ کبیر خود می نویسد:

قال ابن المبارك: ما رأيت أحداً أفضل من ابن عون.

عبدالله بن مبارك می گوید: احدي را افضل از ابن عون ندیدم.

البخاري الجعفي، محمد بن إسماعيل أبو عبدالله (متوفای 256 هـ)، التاريخ الكبير، ج 5، ص 512، تحقیق: السيد هاشم الندوي، ناشر: دار الفكر.

در نتیجه بر فرض که روایت منقطع و از گفته های خود ابن عون باشد، بازهم برای اثبات ادعای ما کفایت می کند.

نتیجه :

مسلمة بن محارب، مجهول نیست؛ چرا که ابن حبان او را توثیق کرده است؛ ارسال ابن عون و سلیمان تیمی، ضروری به حجیت روایت نمی زند؛ چرا که اولاً: مرسل تابعی در نزد عالمان اهل سنت و ائمه اربعه آن ها حجت است؛ ثانیاً: اعتراف بزرگانی از اهل سنت در قرن اول هجری؛ همچون ابن عون که شك او از یقین بالاتر است، و سلیمان تیمی، برای اثبات نظر شیعه کفایت می کند.